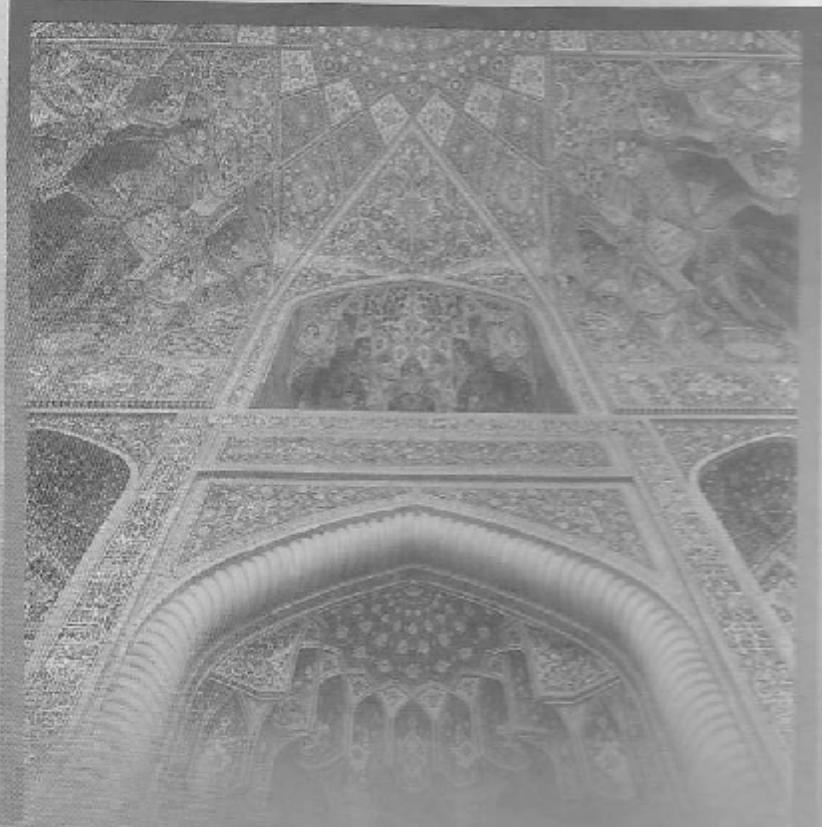


همایش

تربیت دینی

در جامعه اسلامی معاصر

مقالات پرگزیده



مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی

با همکاری، جامه العصطفی العالیة ● پژوهشگاه حدوز و دانشگاه

مردانه شورای عالی آموزش و پژوهش ● مؤسسه آموزشی پژوهشی اخلاق و تربیت اسلامی ● نجمن تعلیم و تربیت اسلامی

یادآوری:

پندگاه‌های مطرح شده در مقالات صرف نشانگر نظر نویسنده‌گان محترم آنهاست.



شماره ردیف ۵۶۹
شماره موضوعی علوم تربیتی - ۲۰
تاریخ انتشار ۱۲۸۸-۳۷

■ مجموعه مقالات همایش تربیت دینی

● مذکوف: جمعی از نویسنده‌گان

● ناشر: انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره)

● چاپ: نگارش

● ترتیب و تاریخ چاپ: اول، پاییز ۱۳۸۸

● شمارگان: ۷۰۰۰

● قیمت: ۱۴۵۰۰ تومان

● دفتر مرکزی: قم، خیابان شهید، کوی معنار، پلاک ۳۸
تلفن و فکس: ۰۳۵۱-۷۷۷۳۳۲۶

● شعبه مؤسسه امام خمینی (ره): قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)
تلفن: ۰۳۵۱-۲۱۱۳۶۲۹

فهرست مطالب ۹

۲۹۲	مقدمه
۲۹۴	مبانی تربیت دینی از دیدگاه اسلام
۲۹۸	اهمیت آموزش متوسطه
۳۰۱	دلات‌های تربیت دینی در آموزش متوسطه
۳۰۶	راهکارهای بهمنظور اجرایی کردن تربیت دینی در آموزش متوسطه
۳۰۹	نتیجه‌گیری
۳۱۱	منابع
ساده‌دیدگاه کارشناسان قرآن و اقامه نماز معاونت پرورشی استان‌ها درباره فعالیت‌های مرتبط با تربیت دینی و اخلاقی (در بستر سند ملی آموزش و پرورش)	
۳۱۲	چکیده
۳۱۴	پیشینه
۳۱۸	بیان مسئلله
۳۲۱	روش پژوهش
۳۲۲	یافته‌ها
۳۲۸	باهم نگری یافته‌ها
۳۳۱	منابع

آسیب‌شناسی تربیت دینی

۳۳۲	چکیده
۳۳۴	کلیدوازگان
۳۳۵	تربیت دینی
۳۳۶	مبانی تربیت دینی
۳۳۷	سنن و مدرنیته
۳۳۹	مرز میان سنن و حقیقت دین
۳۴۱	خانواده و تربیت دینی
۳۴۲	مدرسه و تربیت دینی
۳۴۵	عقلائیت و تربیت دینی
۳۴۷	عواطف و تربیت دینی
	حکومت اسلامی و تربیت دینی

**دیدگاه کارشناسان قرآن و اقامه نماز معاونت پژوهشی استان‌ها درباره
فعالیت‌های مرتبط با تربیت دینی و اخلاقی**
(در بستر سند ملی آموزش و پژوهش)

* دکتر محمود سعیدی رضوانی

** محسن افخمی روحانی

چکیده

هدف نخست از پژوهش حاضر، تشخیص و تحلیل دیدگاه‌های کارشناسان اقامه نماز و قرآن استان‌های سراسر کشور، برای گنجاندن آنها در سند چشم‌انداز بیست‌ساله آموزش و پژوهش بود که به دلایلی، این کار انجام نشد. گزارش پیش رو حاصل پژوهش یادشده است و به دو برش می‌دهد: ۱. از دید کارشناسان قرآن و اقامه نماز، نقاط ضعف چهار زیرنظام ساختار، منابع انسانی، منابع مالی کالبدی و برنامه‌های مرتبط با تربیت دینی و اخلاقی چیست؟ ۲. با توجه به مقایسه دیدگاه کارشناسان با دیدگاه‌های صاحب نظران مرتبط با سند، و تحلیل آن، چه ارزیابی را می‌توان از سطح علمی و تجربی این کارشناسان به دست داد؟

* دکترای برنامه‌ریزی درسی، استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناختی دانشگاه فردوسی مشهد.

** کارشناس علوم فرقی و حدیث، مربی پژوهشی ناحیه ۷ مشهد.

روش پژوهش، پیامبیشی، و ایزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای بازپاسخ، مشتمل بر هفت پرسشناظر بر چهار مؤلفه (زیرنظام) مورد بررسی بود، پاسخ‌دهندگان نیز همه کارشناسان اقامه نماز و قرآن استان‌های سراسر کشور (در سال ۱۳۸۵) بوده‌اند و مجموعاً ۳۲ نفر پرسشنامه را تکمیل کرده‌اند.

مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش به شرح زیر است: بررسی دیدگاه‌های کارشناسان یادشده نشان داد که از دید ایشان مهم‌ترین مشکلات حوزه تربیت دینی و اخلاقی، ضعف در نیروی انسانی (دینی، قرآن و پرورشی)، ظاهرگرایی و شعاری بودن برنامه‌ها، کمبود منابع مالی و کابلی، و ناهمانگی عناصر برنامه‌های تربیتی بوده است.

تحلیل دیدگاه‌های این کارشناسان و مقایسه آن با دیدگاه‌های صاحب‌نظران مرتبط با سند، نشان می‌دهد که مبانی نظری و ساختاری برنامه‌ها، کمتر مورد توجه این گروه است (یعنی به نظر می‌رسد کارشناسان کمتر به اهمیت مبانی نظری و ساختاری توجه دارند).

پیشینه

(الف) سابقه تشکیل امور تربیتی

امور تربیتی نهادی است که در اسفندماه ۱۳۵۹ در وزارت آموزش و پرورش با مهندسی شهیدان رجایی و باهنر تأسیس شد. برخی از اهداف این نهاد مقدس عبارت بود از: هدایت و رهبری نسل جوان در دوران هشت سال دفاع مقدس، فضاسازی فرهنگی برای دفاع از ارزش‌های انقلاب در مدارس، ترویج فرهنگ انسان‌سازی برای در دست گرفتن مدیریت‌های آینده کشور، مقابله با توطئه‌های فرهنگی استکبار و به طور خلاصه پرورش استعدادهای آینده‌سازان میهن اسلامی.

فعالیت‌های پرورشی در مدارس، در آغاز، تحت هدایت و رهبری «استاد امور تربیتی در مدارس» بود. این ستاد از سه عضو تشکیل شده بود و اعضای آن عبارت بودند از: ۱. مدیر مدرسه و یا یکی از معاونان که به مسائل تربیتی شناخت یافته باشد؛

۲. مریم تربیتی مدرسه (یا مریم ارشد):

۳. یکی از معلمان یا دبیران مؤمن و مشعهد، دارای حسن شهرت و سابقه اعتقادی و اخلاقی موفق در اجرای رطایف آموزشی، و آشنا به مبانی و روش‌های تربیتی اسلام، به انتخاب شورای معلمان مدرسه.

ستادها همه برنامه‌ریزی‌های امور تربیتی را در مدرسه بر عهده داشتند و مدیر آموزشگاه که در مقررات، مسئول ستاد تربیتی مشناخته می‌شد، بیشتر نقش ستادی داشت و به پشتیبانی از فعالیت‌ها می‌پرداخت.

بر اساس آیین‌نامه‌های مربوط، وظایف مریم تربیتی برای رسیدن به اهداف بلند و بالارزش خود عبارت بود از: برنامه‌ریزی و اجرای مراسم در ایام الله و مناسبات‌های مانند ماه رمضان، دهه فجر، اوقات فراغت پایگاه‌های تابستانی و...، برگزاری مسابقه‌های فرهنگی و هنری برای رسیدن به هدف‌های تربیتی، برگزاری اردو و بازدیدها، برگزاری مراسم آغازین تدریس در کلاس‌های پرورشی، شرکت در جلسه‌های اداره و انجمن اولیا و...، راهنمایی کتابخانه و نوارخانه، تهیه سروд برای مناسبات‌ها و... و نظارت بر آنها، و مدیریت تشکل‌های دانش‌آموزی (سبیج، انجمن اسلامی، شورای دانش‌آموزی، پیشنازان، فرزانگان، هیئت‌های مذهبی و...).

ب) وضعیت گذشته

پس از انحلال امور تربیتی در آموزش و پرورش و تبدیل نسیب آن به سازمان دانش‌آموزی، این نهاد در چند سال اخیر، ضریبات سیار سهمگینی را خورد؛ به‌گونه‌ای که حتی با عزم مسئولین بلندمرتبه کشور هنوز هم نتوانسته است جایگاه خود را پیدا کند.

برخی از نکته‌های آسیب‌رسان به امور تربیتی عبارت‌اند از:

۱. از بین رفنون تشکیلات امور تربیتی؛ بر اساس قانون کوچک شدن دولت که در زمان حذف امور تربیتی تصویب گردید، بهترین فرصت برای کم‌توجهی به این نهاد فراهم شد؛

بنابراین امور تربیتی تا حد امکان کوچک شد و تشکیلات منسجم آن از بین رفت. همان‌گونه که شهید مظلوم بهشتی فرموده بودند که هیچ مجموعه‌ای بدون تشکیلات به جایی نمی‌رسد، اولین ضریب، از همین فاچیه بر یکرده امور تربیتی وارد شد؛ به گونه‌ای که پس از احیای امور تربیتی، باز هم کمبود تخصیص نیروی انسانی در مدارس به جسته می‌خورد و هیچ دردی از دردهای بخش پرورشی درمان نشده است. هم‌اکنون برای تشکیل معاونت پرورشی در مدارس، بودجه مناسبی پیش‌بینی نشده است و به عویض، در مدارس راهنمایی و متوسطه پسران، به دلیل حق‌الزحمه اندک مریبان پرورشی، کسی حاضر به پذیرش این سمت در مدارس نیست؛ چرا که در ماه باید دست کم هشت روز بیشتر به مدرسه برودا.

۲. تضعیف همه امکانات و اموال امور تربیتی: پس از حذف امور تربیتی، امکانات آن در قسمت‌های دیگر آموزش و پرورش تقسیم شد و بنابراین پس از احیای آن، معاونت پرورشی برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن تادندا نمی‌سلیح - که از هیچ ابراری برای حمله فرهنگی خود چشم پوشی نمی‌کند - آمده نیست.

ج) پژوهش‌های انجام شده

با آنکه در حوزه تربیت دینی و اخلاقی، از جمله دریاره نام و کتاب‌های دینی و قرآن، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است، ولی پژوهش دریاره امور تربیتی چنان مورد توجه کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و پایگاه‌های sid irandoc واقع نشده است. جست‌وجوهای نگارنده در پایگاه‌های مربوط دارای رشته کارشناسی ارشد علوم تربیتی، پژوهش‌های اندکی را که در پایین آمده است، نشان می‌دهد: شمشیری (۱۳۸۵)، پژوهشی را با عنوان «ارائه الگوی نظری، به منظور جهت‌دهی و ساماندهی فعالیت‌های امور تربیتی در نظام آموزش و پرورش ایران، با اقتباس از آموزه‌های عرفان اسلامی» انجام داده است. وی در مقدمه الگوی پیشه‌های اش، به ناکامی

نسبی فعالیت‌های امور تربیتی اشاره کرده، مهم‌ترین عامل را «عدم توجه به مبانی نظری» معرفی می‌کند.

دیرچی (۱۳۷۳)، در پژوهشی با عنوان «سنجش خصوصیات مطلوب مریبان تربیتی شهر تهران»، نگرش دانش آموزان شهر تهران به نقش‌های مختلف مطلوب برای یک مریسی تربیتی را مدنظر قرار داد. مهم‌ترین یافته پژوهش او این بود که دانش آموزان تمام مناطق از هر دو جنس، بیش از همه، بر نقش مشاوره‌ای مریس تأکید دارند.

دیرچی (۱۳۷۳)، در پژوهشی دیگر، رضایت شغلی مریبان امور تربیتی شهر تهران را بررسی کرد. آزمون استفاده شده با مقیاس تورستون، محقق ساخته و دامنه کلی نمرات، از ۱۸ تا ۹۰ بود. نتایج نشان داد که میانگین نمرات رضایت شغلی، $70\frac{2}{3}$ بوده است؛ همچنین از لحاظ جنسیت، سوابق کار، میزان تحصیلات، نوع استخدام و تأهل، تفاوت معناداری بین مریبان وجود نداشت.

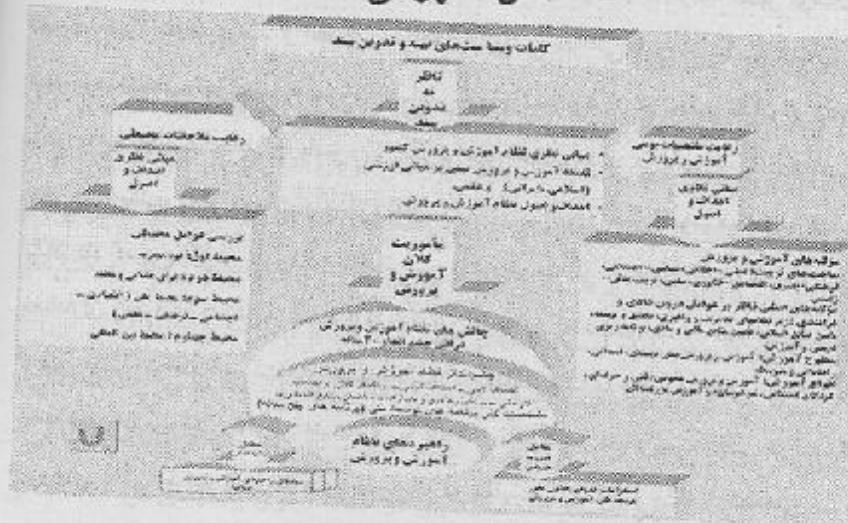
در پژوهشی دیگر، ملک‌پور افشار (۱۳۷۷) نگرش ستاد تربیتی به عوامل آزمایشگاهی تأثیرگذار بر تربیت دینی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر کرمان را بررسی کرده است. جامعه آماری، همه اعضای ستاد تربیتی 108 دیبرستان پسرانه و دخترانه شهر کرمان و نمونه آماری، پنجاه درصد از اعضای ستادهای تربیتی نواحی 1 و 2 (۴۵ دیبرستان) آن شهر بود. انتخاب نمونه نیز به صورت تصادفی انجام شده بود. نتایج تحقیق نشان می‌داد که با توجه به محاسبه تحلیل واریانس، بین نگرش‌های اعضای ستاد در پاسخ به پرسش‌های متغیرهای منش، دانش، روش و بینش، تفاوت معناداری دیده نمی‌شود. همچنین نتایج نشان داد که بین نگرش نیروهای ستاد تربیتی دانش آموخته در رشته‌های مختلف، تفاوت معناداری وجود دارد. پس از انجام آزمون توکی نتایج زیر به دست آمد: ۱. نیروهای ستاد تربیتی دانش آموخته در رشته‌های علوم پایه، در مقایسه با نیروهای دانش آموخته در رشته‌های علوم تربیتی، نگرش مثبت‌تری به عوامل تأثیرگذار در تربیت دینی دارند. ۲. نیروهای دانش آموخته در رشته‌های علوم پایه در مقایسه با دانش آموختگان رشته‌های علوم

تربیتی نگرش مثبت تری به تأثیر روش، دانش و بیش در تربیت دینی دارند. افزون بر این در دیبورستان های دخترانه، نگرش مثبت تری به این تأثیر وجود دارد. فضایلی (۱۳۸۲)، در پژوهشی بر روی یک نمونه ۵۰۰ نفری از دانش آموزان متوسطه، در خصوص روش های تربیت اسلامی، چنین مطرح می کند که ۱۷/۵ درصد از دانش آموزان، دینی دینی، ۱۵/۸ درصد ناظم، ۱۲/۴ درصد مدیر و ۹/۸ درصد مردی پژوهشی را مؤثرترین فرد در مدرسه در راستای تربیت دینی- اخلاقی می دانند؛ در حالی که ۴۳/۲ درصد از باستگویان، سایر دیواران را تأثیر گذارترین افراد در مدرسه دانسته اند.

بيان مسئلہ

پس از تدوین سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی، سازمانها و نهادها مبادرت به تنظیم سند چشم انداز کردند. اندیشه تدوین سند در وزارت آموزش و پرورش نیز از سال ۱۳۸۳ شکل گرفت و هم‌اکنون تدوین سند، مراحل پایانی خود را می‌گذراند. چهار چوب نظری - مفهومی سند، عیناً به نقل از گزارش سند ملی آموزش و پرورش خراسان رضوی، درین آمده است.

مدل مفهومی



همان گونه که دیده می‌شود، سند آموزش و پرورش دارای دو زیرمجموعه عمدۀ شامل مبانی نظری نظام آموزش و پرورش، و تحلیل و ارزیابی وضع موجود در درون و بیرون نظام آموزش و پرورش است.

در بخش نخست، مبانی نظری، فلسفه نظام تربیتی اسلام و جمهوری اسلامی، و مسائل بینادین دیگری از این قبیل، بررسی می‌شود.

در بخش دوم، تهدیدها و فرصت‌های نظام‌های دیگر (بیرون آموزش و پرورش) برای این نظام، و نقاط قوت و ضعف وضعیت درونی آن در ساخت‌های مختلف - از جمله ساخت تربیت دینی و اخلاقی - بررسی می‌گردد. برای تشخیص این نقاط قوت و ضعف، نظام آموزشی به پنج زیرنظام شامل مدیریت و راهبری، تأمین منابع انسانی، تأمین منابع مالی و مادی، برنامه‌ریزی و آموزش، و تحقیق و توسعه تقسیم شده، میان هر زیرنظام مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بررسی وضع موجود تربیت دینی و اخلاقی در نظام آموزش و پرورش، موضوع نوشتار حاضر است.

نتایج بررسی دیدگاه صاحب‌نظران تربیت دینی و اخلاقی درباره وضع موجود نظام آموزش و پرورش در ساحت تربیت دینی و اخلاقی - توسط نگارنده - نشان داد که مهم‌ترین نقاط ضعف در نظام مدیریت و راهبری، به ترتیب عبارت‌اند از: فقدان و یا ضعف در مبانی نظری، سیاست‌گذاری و راهبری کلان، و مدیریت امور اجرایی، ساختاری و نشکنیلاتی. عمدۀ قرین مشکل در نظام تأمین منابع انسانی نیز، انتخاب، جذب و تربیت نیروی مناسب و بالغکرده برای انجام فعالیت‌های تربیت دینی است. در نظام برنامه‌ریزی درس و آموزش نیز مهم‌ترین مشکل بی توجهی به نیازمنجی آموزشی و مشخص نبودن انتظارات از مخاطبان است و استفاده از ساختارهای رسمی، غفلت از حیطه عاطفی و اشکالات محتوایی کتاب‌های دینی و قرآن، از دیگر مشکلات عمدۀ هستند. نظام تأمین منابع مالی و مادی نیز، چندان مورد توجه صاحب‌نظران قرار نگرفته است. (به نقل از پیش‌نویس بخش تربیت دینی و اخلاقی سند ملی آموزش و پرورش).

پژوهش حاضر - بررسی دیدگاه‌های کارشناسان امور تربیتی آموزش و پرورش - نیز در همین راستا انجام شد، ولی به دلایلی، نتایج این پژوهش در سند نیامد. بنابراین در این مقاله، «امور تربیتی» با توجه به زیرنظام‌های پیش‌گفته، و بر اساس دیدگاه‌های کارشناسان قرآن و اقامه نماز استان‌های سراسر کشور، ارزیابی و سپس با دیدگاه‌های صاحب نظران یادشده مقایسه شده است. لازم به ذکر است که با توجه به تخصصی بودن زیرنظام یادشده مقایسه شده است. «تحقیق و توسعه» و مطالعات مقدماتی که نشانگر عدم اشراف علمی کارشناسان یادشده به این زیرنظام بود، تنها چهار زیرنظام ارزیابی گردید.

همان‌طور که در بخش روش خواهد آمد، در این پژوهش، برای آگاهی از دیدگاه‌های کارشناسان، از روش تحقیق پیمایشی از نوع نظرسنجی استفاده شده است. نکته اساسی که معمولاً در پژوهش‌های مبتنی بر نظرسنجی موردن غفلت قرار گرفته است، هدف اساسی و روایی نتایج این گونه پژوهش‌هاست (محمد سعیدی و هادی سعیدی، ۱۳۸۴). توضیح آنکه به نظر می‌رسد در تحقیق پیمایشی، دو نوع استنباط از نتایج می‌تواند مدنظر باشد: اول آنکه «دیدگاه‌ها»، کاشف از واقعیت باشد (یعنی پذیرفت که می‌توان بر اساس دیدگاه‌های به‌اصطلاح کارشناسانه و بدون مراجعه به می‌دان اصلی پژوهشی، واقعیت‌های اجتماعی را تبیین کرد؛ مثلاً در پژوهش حاضر، دیدگاه کارشناسان را درباره نقاط ضعف و عوامل ناکامی نسبی فعالیت‌های امور تربیتی، صائب بدانیم؛

دوم آنکه خود «دیدگاه‌ها»، موضوع تحقیق است؛ برای نمونه، در این پژوهش می‌توان محتوای «دیدگاه‌های کارشناسان را، از حیث میزان توافق، بررسی کرد. مثلاً این پرسش مطرح شود که این «دیدگاه‌ها» تا چه میزان از همگرایی یا هراکتدگی برخوردار است؟ و یا اینکه «دیدگاه‌های کارشناسان تا چه حدی مطابق با دیدگاه‌های صاحب‌نظران و

نظریه‌پردازان عرصه تربیت دینی و اخلاقی است؟

بنابراین در استنباط از نتایج یک پیمایش، باید به این دو نوع نتیجه‌گیری ممکن و تفاوت‌های آن دو توجه داشت؛ چه‌بسا در یک مورد، یکی از دو نوع نتیجه‌گیری و ذر

مورد دیگر، گاهی هر دو نوع نتیجه‌گیری روا باشد.
در این پژوهش، هر دو نتیجه‌گیری یادشده توجه شده است؛ یعنی دیدگاه کارشناسان هم از این جهت تحلیل می‌شود که واقعیت موجود امور تربیتی را نشان دهد و هم از آن جهت که شbahat و تفاوت بین دیدگاه‌های کارشناسان و صاحب‌نظران را بیان کند؛ به عبارت دیگر مشخص می‌شود که کارشناسان تا چه حدی همه‌جانبه و متقن (مانند بک صاحب‌نظر) به موضوع نگریسته‌اند. بنابراین پرسش‌های پژوهشی به شرح زیر هستند:
از دید کارشناسان قرآن و اقامه نماز، نقاط ضعف چهار زیرنظام ساختار، منابع انسانی، منابع مالی کالبدی و برنامه‌های مرتبط با تربیت دینی و اخلاقی چیست؟
مقایسه دیدگاه کارشناسان با دیدگاه‌های صاحب‌نظران و تحلیل آن، چه ارزیابی را می‌توان از سطح علمی و تجربی کارشناسان به دست داد؟

روش پژوهش

روش پژوهش، پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای بازپاسخ، مشتمل بر هفت پرسش ناظر بر چهار مؤلفه (زیرنظام) مورد بررسی، بوده است.
پاسخ‌دهندگان نیز همه کارشناسان اقامه نماز و قرآن استان‌های سراسر کشور بوده‌اند که موظف بودند در کارگاه آموزشی در تابستان ۱۳۸۵ در مشهد، شرکت کنند. مجموعاً ۳۲ نفر پرسشنامه را تکمیل کرده‌اند که از این تعداد، ۹ نفر که دیدگاه‌های کاملاً انتقادی داشتند، به هر دلیل، از تکمیل بخش اطلاعات جمعیت‌شناسختی پرسشنامه خودداری و یا اطلاعات را ناقص وارد کرده‌اند. اطلاعات این بخش از ۲۳ پرسشنامه دیگر نشان می‌دهد که کارشناسان از استان‌های تهران، خراسان، همدان، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه، چهارمحال و بختیاری، لرستان، گلستان، آذربایجان شرقی، کردستان، بوشهر، ایلام، اردبیل، سمنان، مرکزی و گیلان بوده‌اند. با اختساب پرسشنامه ناقص از حیث اطلاعات جمعیت‌شناسختی، به نظر می‌رسد می‌توان اطمینان بالایی داشت که کارشناسان

اکثریت مطلق استان‌های کشور، پرسشنامه‌ها را تکمیل کرده‌اند. میانگین ساخته کار افراد در حدود ۱۵ سال بوده است. تعداد ۹ نفر، کارشناس الهیات (معارف اسلامی)، ۶ نفر کارشناس آموزش ابتدایی و دیگران از رشته‌های غیرمرتبه مانند انگلیسی، شیمی و جغرافیا بوده‌اند.

یافته‌ها

۱. نقاط ضعف ساختار موجود و تشکیلات آموزش و پرورش در ارتباط با تربیت دینی و اخلاقی، از دیدگاه کارشناسان

درمجموع حدود ۲۳ نفر از کارشناسان در این باره، اظهار نظر کرده‌اند که دیدگاه‌های ایشان و تعداد افراد دارای دیدگاه‌های مشابه، در زیر آمده است:

۱-۱. ضعف در استخدام و گزینش نیروی انسانی (۱۱ نفر)

۸ نفر اظهار کرده‌اند که یکی از نقاط ضعف در تربیت دینی و اخلاقی، بی‌توجهی در انتخاب و گزینش دبیران صالح و آشنا با موازین اسلامی است؛ مثلاً یک کارشناس می‌نویسد: «متاسفانه معلمان دینی و قرآن به طور صحیح گزینش و انتخاب نشده‌اند. در زمان فعلی انتخاب بر اساس صرف مدرک بوده است و ارزیابی اصولی به عمل نیامده است»، سه کارشناس دیگر نیز اظهار کرده‌اند که بین گفتار و عمل، فاصله بسیاری وجود دارد و خود کارکنان و دبیران، در مواردی، ناقص موازین دینی و اخلاقی هستند.

۱-۲. ظاهرگرایی و عدم اهتمام راقعی (۸ نفر)

برخی از کارشناسان بیان کردند که بیشتر فعالیت‌های تربیت دینی و اخلاقی، جنبه تشریفاتی داشته است و در سیتم آموزش و پرورش بیشتر به سطح آموزش (درصد قبولی) توجه شده و به اهداف تربیتی و اخلاقی اهمیت کمتری داده شده است؛ امور فرهنگی و مذهبی به حالت روزمرگی درآمده و مستولین مربوط، اصل «هدف» را در حاشیه قرار داده‌اند؛ برای نمونه بیشتر برنامه‌های اجرایی، فقط در بخش‌های آمده است.

برخی از این کارشناسان پیشنهاد کردند که فعالیت‌های تربیتی به صورت اجرایی طراحی شده، سپس با نظارت دقیق اجرا شود تا کیفیت نیز افزایش یابد.

۱. نیو سیستم نظارت بر فرایند تربیت دینی (۲ نفر)

۲. ایهام در جایگاه فعالیت‌های دینی (۲ نفر)

تحلیل دیدگاه کارشناسان درباره زیرنظام ساختار موجود آموزش و پرورش، و مقایسه آن با دیدگاه صاحب‌نظران.

بررسی این دیدگاه‌ها موارد زیر را نشان می‌دهد:

۱. کارشناسان پاسخ‌دهند، یکی از صحف‌های مهم را مربوط به مسائل اجرایی دانسته‌اند. به نظر می‌رسد اکثریت مطلق این افراد، آموزش و پرورش را از حیث «ساختار» نقد نکرده‌اند. لازم به ذکر است که چهار نفر از کارشناسان نیز با اشاره به عوامل ساختاری احتمالاً معتقدند که با همین ساختار موجود، به شرط توجه به مواردی مانند برطرف کردن ضعف در استخدام و گریش نیروی انسانی و داشتن اهتمام واقعی و پرهیز از ظاهرگرایی، می‌توان به اهداف رسید؛

۲. تعداد قابل توجهی از صاحب‌نظران عرصه تربیت دینی و اخلاقی گشور، عدم تعریف ساختار مناسب را نقطه ضعف بنیادین در فعالیت‌های حوزه تربیت دینی و اخلاقی دانسته‌اند و حتی تعدادی از صاحب‌نظران معتقدند که اصولاً نظام آموزش و پرورش، به دلیل رسمی بودن، نمی‌تواند ابزار مناسبی برای رسیدن به اهداف تربیت دینی و اخلاقی باشد.

دو عامل اشاره شده، یعنی نیو سیستم نظارتی و ایهام در جایگاه فعالیت‌های دیدگاه‌های صاحب‌نظران، به طور کاملاً برجسته‌ای در سند گنجانده شده است؛ به گونه‌ای که روش نبودن مبنای نظری تربیت دینی و اخلاقی، مهم‌ترین عاملی است که به عنوان مانع تربیت دینی و اخلاقی، مورد تأکید قرار گرفته است.

۲. نقاط ضعف موجود در دیبران قرآن، دینی و پرورشی در ارتباط با تربیت دینی و اخلاقی از دیدگاه کارشناسان

در مجموع حدود ۲۷ کارشناس در این باره اظهار نظر کردند. ۶ کارشناس دید نسبتاً مشتی به عملکرد نیروی انسانی مرتبط با تربیت دینی و اخلاقی داشته‌اند و دیدگاه‌های ۲۱ کارشناس معتقد به شرح زیر است:

۱- نبود انگیزه لازم در برخی از دیبران و مریبان (۹ نفر)

کم‌انگیزگی و بی‌انگیزگی مورد تأکید برخی از کارشناسان بوده است. برای نمونه یکی از کارشناسان معتقد است برخی از دیبران دینی انگیزه کافی برای تدریس ندارند. دیگری تصریح می‌کند: انگیزه، به طور کلی، ضعیف است و این، فاجعه بزرگی است. کارشناس دیگری می‌گوید: مریبان با بی‌میلی و بی‌رغبتی تمام، به فعالیت می‌پردازند. برخی از عوامل این موضوع، از دیدگاه کارشناسان، در زیر آمده است:

معمولًا به دیبران درس‌هایی مانند فیزیک و ریاضی، با دید دیگری نگریسته می‌شود؛ از نیروهای متخصص و بازیگران در حوزه خودشان استفاده بهینه نمی‌شود؛ کلاس‌های قرآن و دینی خشک و بی‌محتوی شده‌اند. فشار کاری بالا و فعالیت بیش از اندازه مریبان، بی‌توجهی مسئولین به آنان، سایر انتظارات همکاران از ایشان و کم‌رنگ شدن نقش نهاد مقدس امور تربیتی در سال‌های اخیر، به بی‌انگیزگی ایشان انجامیده است، باید به مریبان پرورشی و دیبران دینی، اهمیت ویژه‌ای داده شود.

نیروی انسانی پرورشی از نظر تشکیلات و اعتبارات، و اثربخشی فعالیت‌های ایشان، پشتونه محکمی ندارند؛ بنابراین در سطح مدارس و منطقه کمتر مورد توجه هستند. نحسین و مهم‌ترین شکل کادر پرورشی، کم‌اهمیت نشان دادن کار ایشان می‌باشد؛ در نتیجه مریبان با بی‌میلی و بی‌رغبتی تمام به فعالیت می‌پردازند.

۲- نداشتن علم و تجربه کافی برخی از دیبران و مریبان (۸ نفر)

یکی از کارشناسان بر این باور است که تعداد جوانان خوش‌بیان، با اطلاعات علمی و

معنوی بالا و آشنا به بیشتر مسائل مربوط به رشته، خیلی کم است. کارشناس دیگری می‌گوید: مشکلات به خود افراد بر می‌گردد؛ چرا که فعالیت و توان لازم را ندارند و در کلاس‌های ضمن خدمت نیز شرکت نمی‌کنند؛ در نتیجه معلمان ما، معلمان با تجربه‌ای نیستند و نمی‌توانند نسل جوان را جذب کنند. دیگری می‌گوید: بار علمی معلمان دینی و پژوهشی، کم است. یک کارشناس دیگر، با توجه به سوزه انتخابی خود می‌گوید: مریبانی که در حوزه آموزشی و اداری، کارایی ندارند، در حوزه پژوهشی جای‌گیری نمی‌شوند و متأسفانه، در زمینه پژوهشی، قرآن و معارف نیز تخصص کافی ندارند.

۲-۳. عدم التزام عملی کافی برخی از دیران و مریبان (۴ نفر)

یکی از کارشناسان معتقد است برخی از مریبان برای تدریس معارف اسلامی و پژوهشی مناسب نیستند و حتی آداب ظاهری مثله را رعایت نمی‌کنند. «وجود ان اخلاقی فردی که خودش پایند به نظام اخلاقی اسلامی است، باعث می‌شود دانشآموزان با علاقه و حسن نیت، به سوی اخلاق برتر هدایت شوند». کارشناس دیگری نیز می‌گوید: «... یکی از مشکلات دیگر، انتخاب افرادی است که خود اعتقاد کافی به امور دینی و پژوهشی ندارند». کارشناس دیگری نصیریح می‌کند که اگر یک معلم دینی، قرآن و پژوهشی، عامل به گفتار باشد، بسیار اثرگذار خواهد بود.

تحلیل دیدگاه کارشناسان در زیرنظام متابع انسانی و مقایسه آن با دیدگاه صاحب‌نظران مسائلی مانند نبود انگیزه لازم، دانش و تجربه ناکافی و نیز عدم التزام دیران دینی و قرآن، و مریبان پژوهشی، سه نقطه ضعف مورد اشاره کارشناسان در مقوله نیروی انسانی مرتبط با تربیت دینی و اخلاقی بوده است. مندرجات سند نیز نشان می‌دهد که صاحب‌نظران عرصه تربیت دینی و اخلاقی کشورمان، نقطه ضعف‌های یادشده را از بالاترین موانع تربیت دینی و اخلاقی، بهویژه در عرصه اجرا می‌دانند. گروه قابل توجهی از صاحب‌نظران، اصلاح فرایند تربیت دینی و اخلاقی را در گروه بالا بردن سطح دانش، انگیزش و نگرش مریبان و دیران دینی و قرآن می‌دانند و حتی گروهی معتقدند که دیران

و مریبان دیگر رشته‌ها نیز در فرایند تربیت دینی و اخلاقی بسیار مؤثر هستند و بنابراین باید مورد توجه قرار گیرند. نکته مهم اینکه دیدگاه‌های کارشناسان مذکور و صاحب‌نظران درباره نیروی انسانی دست‌افدر کار تربیت دینی و اخلاقی، کاملاً به یکدیگر شاہت دارند؛ یعنی صاحب‌نظران نیز به مشکلات و مسائلی مانند کاستی‌ها در انگیزه، دانش و نگرش‌های مریبان و دیگران مرتبط با تربیت دینی و اخلاقی اشاره داشته‌اند.

۲. نقاط ضعف منابع مالی و کالبدی در ارتباط با تربیت دینی و اخلاقی از دیدگاه کارشناسان

تعداد ۲۳ نفر در این باره به شرح زیر اظهار نظر کرده‌اند:

۲۰ نفر از پاسخ‌گویان اذعان کرده‌اند که منابع مالی و کالبدی چندانی برای مسائل دینی و اخلاقی هزینه نشده است. در بیشتر مدارس مکان مناسبی برای نمازخانه وجود ندارد و بودجه بسیار کمی به این مسائل اختصاص یافته است. فضای مورد نیاز وجود ندارد، امکانات، ناقص و ضعیف است و در این زمینه، برنامه‌ریزی لازم انجام نشده است.

۳ نفر دیگر از پاسخ‌دهندگان معتقدند: فضای تجهیزات و امکانات وجود دارد، ولی کسی که احساس مستولیت کرده، بتواند منابع و امکانات را مدیریت کند، وجود ندارد. دو نفر دیگر نیز گفته‌اند که بودجه وجود دارد، ولی معلمان پرورشی و مدیران کم‌کاری می‌کنند.

تحلیل دیدگاه کارشناسان در زیرنظام منابع مالی و کالبدی و مقایسه آن با دیدگاه صاحب‌نظران آنچه کارشناسان درباره نقاط ضعف منابع مالی و کالبدی بیان کرده‌اند، ساده و بسیط به نظر می‌رسد. اکثریت مطلق افراد، بودجه و امکانات را اندک می‌دانند. قابل توجه اینکه، دیدگاه صاحب‌نظران نیز در این باره چیزی بیش از این نیست. جالب است که برخی از کارشناسان، به مصرف نادرست بودجه توجه کرده‌اند و معتقدند مسئله اساسی در هزینه کرد بودجه‌های پژوهشی و نه کمبود آن است؛ اما صاحب‌نظران به این مسئله توجه نکرده‌اند.

۴. نقاط ضعف برنامه‌های آموزش و پرورش در ارتباط با تربیت دینی و اخلاقی از دیدگاه کارشناسان

درمجموع، ۲۱ نفر به شرح زیر اظهار نظر کردند:

۱-۴. تناسب نداشتن اهداف، روش‌ها و فعالیت‌ها (۱۰ نفر)

هفت نفر معتقدند که هدف‌ها خوب و مناسب هستند، ولی روش‌ها و فعالیت‌ها برای رسیدن به آنها نامناسب هستند و درست تعیین نشده‌اند. دو کارشناس دیگر نیز معتقدند که اهداف و فعالیت‌ها، در یک راستا قرار ندارند. ۳ نفر نیز اذعان کردند که باید مسئولان دو متن کارها قرار بگیرند و در این زمینه باید کارشناسی کرد.

۵-۶. شعاری و ظاهری بودن برنامه‌ها (۷ نفر)

۴ نفر معتقدند که اهداف و برنامه‌ها، در واقع شعاری، بی‌معنا و بی‌محبت‌ها هستند و درباره آنها کاری انجام نمی‌شود. ۳ نفر نیز معتقدند که اصولاً اهداف، روش‌ها و فعالیت‌ها هیچ یک مناسب نیستند و کاری در مورد آنها صورت نمی‌گیرد.

۳-۷. ناتوانی معلمان و مدیران در اجرای برنامه‌ها (۲ نفر)

۲ کارشناس نیز معتقدند که معلمان و مدیران، حسود، الگو و نمودهای مناسبی برای تربیت دینی و اخلاقی نیستند و بنا بر این کاری را نمی‌توانند انجام دهند.

تحلیل نظر کارشناسان دو زیرنظام برنامه‌های تربیت دینی و اخلاقی
تناسب نداشتن اهداف، روش‌ها و فعالیت‌ها و سپس شعاری و ظاهری بودن برنامه‌ها، در نکته اساسی مطرح شده از سوی کارشناسان بوده است. مشکل اجرای برنامه‌ها نیز از سوی تعداد کمتری از کارشناسان مطرح شده است. دیدگاه‌های بالا، به طور کلی، نشان‌دهنده نوعی بدینی و به بیانی، نالمیدی از برنامه‌های مرتبط با تربیت دینی و اخلاقی است. نکته قابل تأمل آنکه با وجود تأکید مجری پژوهش بر تدقیق و تفصیل در ارائه دیدگاه‌ها، کارشناسان دیدگاه‌های بسیار کلی ارائه کردند (البته ۱۰ نفر از کارشناسان، به ضرورت هماهنگی اهداف، روش‌ها و فعالیت‌ها اشاره کردند که در عین کلی بودن، نکته دقیق و بسیار باهمیتی است؛ اما بررسی سند نشان می‌دهد که صاحب‌نظران با تفصیل و تدقیق،

نقاط ضعف برنامه‌های مرتبط با تربیت دینی و اخلاقی را مشخص کرده‌اند. جدول زیر

عنوان از سند آمده است:

نقاط ضعف برنامه‌های مرتبط با تربیت دینی و اخلاقی (تلخیص از سند ملی آموزش و پرورش ۱۳۸۶)

۲۰	عدم توجه به نیازمندی آموزشی	<table border="1" style="margin-left: auto; margin-right: auto;"> <tr><td>نگاه</td></tr> <tr><td>نیازمندی</td></tr> <tr><td>کافی</td></tr> </table>	نگاه	نیازمندی	کافی																	
نگاه																						
نیازمندی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
کافی																						
۱۹	سلط ظاهرگرایی و نقل‌گرایی بر سایر وجوده در تربیت دینی																					
۱۵	سلط حیطه‌شناسی (دانش) در تربیت دینی و غفلت از حیطه عاطفی و عملی																					
۱۴	عدم تناسب نظام آموزش و پرورش رسمی متمرکز با تربیت																					
۱۳	محترای نامناسب کتاب‌های تعلیمات دینی																					
۱۰	انتظارات نادرست نظام تعلیم و تربیت دینی از مخاطبان																					
۸	تأثیرپذیری تربیت دینی از فهم برنامه‌ریزان از دین																					
۷	الگوپردازی نامناسب در تربیت دینی																					
۶	بی‌توجهی به قرآن و مفاهیم معنوی																					
۶	پرورش مدادن روحیه پرسنلگری در جوانان																					
۶	عدم توجه به زبان روز و تحولات دنیای جدید																					
۴	ارزشیابی نامناسب تربیت دینی																					
۴	مستقیم بودن آموزش در تربیت دینی																					
۳	همراهی بیش از اندازه تربیت دینی با غم																					
۳	عدم همراهی دعوت عملی با دعوت کلامی در تربیت دینی																					
۳	عدم ترجیح دین‌بابی به دین‌دھی																					
۲	سلط وجه عاطفی در تربیت دینی و لزوم توجه به گفتمان عقلی																					
۲	خلط دین و انقلاب در تربیت دینی																					

باهم‌نگری یافته‌ها

این پژوهش دو هدف عمده، شامل تحلیل نقاط ضعف فعالیت‌های تربیت دینی و

اخلاقی (به ویژه امور تربیتی) از نگاه کارشناسان و تعیین میزان اتفاق و جامعیت دیدگاه‌های کارشناسان از راه مقایسه دیدگاه‌های ایشان با دیدگاه صاحب‌نظران را پیگیری کرده است. بررسی دیدگاه‌های کارشناسان نشان داد که از نظر ایشان، ضعف در نیروی انسانی (دبیران دینی، قرآن و پژوهشی)، ظاهرگرایی و شعاری بودن برنامه‌ها، کمبود منابع مالی و کالبدی و ناهمراهگی عناصر برنامه‌های تربیتی، مهم‌ترین مشکلات حوزه تربیت دینی و اخلاقی هستند. تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های کارشناسان با دیدگاه صاحب‌نظران نشان می‌دهد که مبانی نظری و ساختاری برنامه‌ها کمتر مورد توجه این گروه قرار دارد (یعنی به نظر می‌رسد کارشناسان کمتر به اهمیت مبانی نظری و ساختاری توجه دارند). اکثریت این گروه گمان می‌کنند که تنها با برخی اصلاحات برنامه‌ای و تشکیلاتی، تربیت و گزینش نیروی انسانی مناسب، برطرف کردن محدودیت‌های بودجه‌ای، و پرهیز از تظاهر، و اهتمام واقعی، می‌توان تا اندازه بسیار زیادی موانع تربیت دینی و اخلاقی را برطرف کرد؛ ولی بررسی اجمالی دیدگاه‌های صاحب‌نظران مدرج در متن، نشان می‌دهد که افزون برو موارد یادشده، تعیین و تدوین فلسفه تربیتی اسلام و نیز اصلاح کاملاً اساسی ساختار نظام آموزشی - حتی در سطح جای گزینی فعالیت‌های غیررسمی برای رسیدن به بسیاری از اهدافی که با ساختارهای رسمی نمی‌توان به آن رسید - از نخستین ضرورت‌های برطرف کردن موانع است. اگرچه این ضعف نگرشی کارشناسان ممکن است طبیعی به نظر برسد (بعضی چنین تصور شود که این کارشناسان، بیشتر وظيفة اجرایی دارند و چندان به درک فلسفه فعالیت‌های پژوهشی نیاز ندارند)، اما باید توجه داشت که این گونه نگرش‌های ضعیف، از عوامل به وجودآورنده برخی از نقاط ضعف عمده مانند «شعاری و تصنیعی بودن» برنامه‌های چنان‌که باقری و ابروانی (۱۳۸۰) در پژوهش خود با عنوان «جایگاه نظریه‌های تربیتی در عمل معلم» نشان می‌دهند که کارکرد راهنمای بودن نظریه‌های تربیتی، برای معلمان و نیز برنامه‌ریزان آموزش و پژوهش اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا مبنای تصمیم‌گیری‌ها،

برنامه‌ریزی‌ها و نیز عمل معلم در کلاس قرار می‌گیرد. همان‌گونه که پاک‌سرشت (۱۳۸۶) می‌گوید: نظریه به تعلیم و تربیت «انسجام، جهت و پویایی» می‌بخشد. محسن‌پور (۱۳۸۳) نیز بیان می‌کند: «همه‌ترین مشکل نظام آموزش از زمان تشکیل رسمی آن تاکنون، فقدان نظریه برنامه درسی می‌باشد». امین‌خندقی (۱۳۸۷) نیز تصریح می‌کند: پرداختن به مسئله نظریه برنامه درسی، از دو بعد مشکلات و مسائل مبتلاه برنامه درسی، و مسائل بومی - کشوری، ضروری است؛ بنابراین اگر بدنه کارشناسی - و حتی کاملاً اجرایی، مائند معلمان و مریبان - با فلسفه تدوین برنامه‌ها و تغییرات در روش‌ها و... آشنا نیاشند، اثربخشی برنامه‌ها ر فعالیت‌های مرتبط با تربیت دینی و اخلاقی، بهشت تهدید خواهد شد.

با وجود آنچه گفته شد، دقت نظر کارشناسان در بسیاری از امور، مائند اهمیت ریزه معلمان و مریبان، و توجه به هماهنگی اهداف، روش‌ها و فعالیت‌ها، و همسوی دیدگاه کارشناسان و صاحب‌نظران در بسیاری از امور (مائند بحث نیروی انسانی و منابع مالی و کالبدی)، نشانه‌هایی از امیدواری به کارشناسان شاغل در معاونت پژوهشی، برای تحقق اهداف تربیت دینی و اخلاقی هستند.

متابع

۱. امین خندقی، مقصود، (۱۳۸۷) «تبیین ماهیت نظریه در حوزه برنامه درسی و ارائه طبقه‌بندی مفهومی جدید از نظریه‌های معتر در این حوزه»، رساله دکترا، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. باقری، خسرو و شهین ایرانی، (۱۳۸۰) «جایگاه نظریه‌های تربیتی در عمل معلم»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سی و پنجم، ش. ۲.
۳. پاک‌سرشت، محمد جعفر، (۱۳۸۶) «نظریه‌های تربیتی و چالش‌های نظریه‌پردازی در آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال ششم، ش. ۲.
۴. دمیرچی، محمد، (۱۳۷۳) «بررسی رضایت شغلی مریبان امور تربیتی شهر تهران»، طرح پژوهشی منتشر نشده مصوب شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران.
۵. دمیرچی، محمد، (۱۳۷۲) «استجش خصوصیات مطلوب مریبان تربیتی شهر تهران»، طرح پژوهشی منتشر نشده مصوب شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران.
۶. سعیدی رضوانی، محمود و هادی سعیدی رضوانی، (۱۳۸۵) «نائب منفی اختلافات منابع روش تحقیق بر روی پژوهش‌ها در حوزه علوم تربیتی»، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی روش‌های تحقیق در علوم، فنون و مهندسی.
۷. سند ملی آموزش و پرورش، (۱۳۸۶) کمیته مؤلفه‌های اصلی ساحت تربیت دینی و اخلاقی، مجری: دکتر محمود سعیدی رضوانی، حسین باغچی و مقصود امین خندقی.
۸. شمشیری، بابک، (۱۳۸۵) «ارائه الگوی نظری به منظور جهت‌دهی و ساماندهی فعالیت‌های امور تربیتی در نظام آموزش و پرورش ایران؛ با اقتباس از آموزه‌های عرفان اسلامی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه تبریز، دوره بیست و سیم، ش. ۴، پیاپی ۴۹.

-
۹. محسن پور، بهرام، (۱۳۸۳) «ضرورت تدوین نظریه برنامه درسی برای آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، سال سوم، ش. ۷.
۱۰. ملک پورافشار، عزت‌الله، (۱۳۷۷) *ابرونسی نگرش ستاد تربیتی نسبت به عوامل تأثیرگذار بر تربیت دینی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر کرمان*، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت معلم.